

## بازی، چیستان، شگفتی

### بداهه پردازی «مصیبت روی مصیبت»

در این بازی مفرح گروهی، ابتدا بازیکن نخست شخصیتی را در یک موقعیت توصیف می‌کند. بازیکن‌های بعدی باید هر یک مشکلی به مشکلات آن شخصیت اضافه کنند.

#### برای مثال:

بازیکن ۱: نرگس داشت دیر می‌رسید سر کار.

بازیکن ۲: حالا این کم بود، اون روز اول وقت باید به یک جلسه‌ی مهم با رئیسش هم می‌رسید.

بازیکن ۳: حالا این کم بود، تو اون هفته، سه روز دیگه هم دیر رسیده بود سر کار.

بازیکن ۴: حالا این کم بود، رئیسش هم قبلاً تهدید کرده بود که اگه یک بار دیگه دیر برسه سر کار، اخراجش می‌کنه.

بازیکن ۵: حالا این کم بود، نرگس مادر سه تا بچه‌ی بی‌پدر هم بود و خیلی خیلی به این کار احتیاج داشت.

توجه کنید که در مثال بالا، آنچه که به دست آمده خط سیر یک روایت را ندارد بلکه کندوکاوی است در موقعیتی ایستا، اما نوع دیگری از این تمرین آن است که هر پیشنهاد، هم ضریب‌های خطر را افزایش دهد و هم روایت را پیش ببرد. مانند این مثال:

بازیکن ۱: جرالده پس انداز خانوادگی‌اش را در یک کسب و کار نوپا سرمایه‌گذاری کرد.

بازیکن ۲: حالا این کم بود، همسرش مری، از این که این بار هم مثل همیشه بدون مشورت با او تصمیم مهمی گرفته، عصبانی شد.

بازیکن ۳: حالا این کم بود، مری به جرالده گفت که دیگه از نقشه‌های نسنجیده‌ی او برای یه شبه پولدار شدن خسته شده و سه

مرتبه‌ی قبل رو یادش آورد که جرالده پس انداز خانوادگی رو به‌همین ترتیب از دست داده بود.

بازیکن ۴: حالا این کم بود، دخترشون، جودی، هم اومد خونه و اعلام کرد که در دانشگاه معتبری قبول شده که هزینه‌اش سالی صد هزار دلار.

بازیکن ۵: حالا این کم بود، مری به جرالده گفت اگه پولشون رو از دست بده و اون‌ها نتونند حتی

شهریه‌ی دانشگاه جودی رو پردازن، دیگه واقعا به‌طور جدی به طلاق گرفتن از او فکر می‌کنه.

بازیکن ۱: حالا این کم بود، وقتی جودی فهمید پدرش دوباره همه پس اندازشون

رو احمقانه برای یه شبه پولدار شدن سرمایه‌گذاری کرده و ممکنه به این ترتیب

او نتونه به اون دانشگاه معتبر بره، زد زیر گریه و دوید طرف اتاق

خوابش و فریاد زد: «ازت متنفرم! ازت متنفرم!»

بازیکن ۲: حالا این کم بود، وقتی جرالده رسید دفتر کار

جدیدش، کشف کرد که شریکش مایکل، همه پولها رو

اختلاس کرده و از کشور متواری شده.

می‌توان در بازی‌ای شبیه به این، به‌جای افزودن

مشکلات در هر مرحله، «خوش‌شانسی روی

خوش‌شانسی» را در پیشنهادهای پی‌درپی بازیکنان

روایت کرد.



## چند چیستان

« پادشاهی سرراهی؛  
قبای سیاه در برش  
تاج سبزی بر سرش  
من می‌روم، او می‌ماند.

« این طرف سنگ‌چین  
اون طرف سنگ‌چین  
میونش چرخ و فلک

« به شهر دامغان است و به کرمان  
خوراکی هست اما نیست ارزان  
اگر خندان همی بینی تو آن را  
به نرخ خویش می‌خندد پسر جان!

« ز تو دارم سؤالی بی‌شک آسان  
که شهری هست در نزدیک کاشان  
بود شهری که می‌گوید که: برخیز!  
قدم بردار و مهمان شو به سوهان

## شگفتی‌های اعداد

این مضرب‌های عدد شگفت‌انگیز ۱۴۲۸۵۷ را به‌دقت ملاحظه کنید. چه قانون‌هایی برای این ضرب‌ها می‌توانید بیابید؟ تحقیق کنید که این روال در مضارب بالاتر نیز تکرار می‌شود یا نه.  
(عدد ۱۴۲۸۵۷ دوره‌ی گردش تقسیم عدد ۱ بر عدد ۷ است.)



۱۴۲۸۵۷	×۲	=۲۸۵۷۱۴
۱۴۲۸۵۷	×۳	=۴۲۸۷۵۱
۱۴۲۸۵۷	×۴	=۵۷۱۴۲۸
۱۴۲۸۵۷	×۵	=۷۱۴۲۸۵
۱۴۲۸۵۷	×۶	=۸۵۷۱۴۲
۱۴۲۸۵۷	×۷	=۹۹۹۹۹۹
۱۴۲۸۵۷	×۸	=۱۱۴۲۸۵۶
۱۴۲۸۵۷	×۹	=۱۲۸۵۷۱۳
۱۴۲۸۵۷	×۱۰	=۱۴۲۸۵۷۰
۱۴۲۸۵۷	×۱۱	=۱۵۷۱۴۲۷
۱۴۲۸۵۷	×۱۲	=۱۷۱۴۲۸۴
۱۴۲۸۵۷	×۱۳	=۱۸۵۷۱۴۱
۱۴۲۸۵۷	×۱۴	=۱۹۹۹۹۹۸
۱۴۲۸۵۷	×۱۵	=۲۱۴۲۸۵۵

### منابع:

- کن‌آدامز، بداهه‌پردازیِ نمایشنامه‌ی بلند: هنر تئاتر خودجوش، ترجمه‌ی بابک تیرایی، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- مختار نعیم‌پاک، گنجینه‌ی معما، کتاب اول، انتشارات تنها، ۱۳۷۷.
- م. آزاد، چیستان‌ها، جلد ۲، نشر مهاجر، ۱۳۹۳.
- م. آزاد، چیستان‌ها، جلد ۴، نشر مهاجر، ۱۳۹۳.

پاسخ چیستان‌ها به ترتیب:

پسته بادمجان  
قم ردپا  
دهان